

# پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲

هزار و سیصد و هشتاد و یک - نیمسال دوم

## مقالات

- تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن
- مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل
- استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیمها و امیدها
- محدودیت‌های حقوق مالکانه اشخاص در قوانین و مقررات شهرداریها
- تأملی بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران
- نقدی بر طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسؤلیت دولتها
- حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات

## موضوع ویژه: ضرورت بازنگری در قوانین ناظر بر چک

- تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک
- میزگرد راجع به اصلاح قانون چک
- حفظ یا حذف جنبه کیفری صدور چک بلامحل‌سازی و مطالعات فرسنگی
- مقررات چک در قانون تجارت مصر (مصوب ۱۹۹۹)

رتال جامع علوم انسانی

## نقد و معرفی

- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب
- انجمن حقوق خصوصی ایران
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_44846.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_44846.html)

## مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل

دکتر علی خالقی\*

**چکیده:** امروزه به دلایل متعدد روابط اشخاص با یکدیگر توسعه یافته به فراسوی مرزها کشیده شده است. به تبع این امر، اعمال مجرمانه نیز اشکال نوینی به خود گرفته، بیش از پیش در بردارنده یک یا چند عنصر خارجی است. برای مبارزه با این‌گونه جرائم، دولت‌ها تدابیری چند از جمله تعقیب و مجازات مرتکبین آنها را اتخاذ نموده‌اند. بررسی اجمالی صلاحیت کیفری دولت‌ها در رسیدگی به این جرائم و اصول حاکم بر آن موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

**کلید واژه‌ها:** صلاحیت، صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی، صلاحیت واقعی، صلاحیت جهانی، حقوق جزای بین‌الملل.

۱. **طرح بحث:** دنیای کنونی دنیای ارتباطات و پیوند میان ملت‌هاست به گونه‌ای که از آن به عنوان دهکده جهانی یاد می‌شود، دهکده‌ای به وسعت کل جهان که در آن ارتباط میان ساکنان آن به سهولت ارتباط میان سکنه دهکده‌ای کوچک است. از این‌رو، امروزه روابط اشخاص با یکدیگر به نحو چشمگیری افزایش یافته، دوری آنها از یکدیگر و وجود مرزهای سیاسی دولت‌ها تأثیری در برقراری این ارتباط ندارد. از یک سو، پیشرفت دانش بشری سبب به کارگیری وسایل نوین در صنعت

---

\* وکیل پایه یک دادگستری

حمل و نقل گردیده به نحوی که عزیمت از نقطه‌ای به نقطه دیگر از جهان در ساعتی اندک به راحتی امکان‌پذیر شده است و اشخاص می‌توانند در ساعتی از روز در یک کشور و در ساعتی دیگر از همان روز در کشور دیگر باشند. در دهه‌های اخیر، توسعه جهانگردی و حذف مقررات اخذ روایید در روابط میان برخی از کشورها موجب افزایش این جابه‌جایی‌ها و سفرهای کوتاه مدت شده است. از دیگر سو، پیشرفت تکنولوژی سبب توسعه شبکه‌های ارتباطی مخابراتی از جمله اینترنت شده به گونه‌ای که به یک شخص امکان می‌دهد که به کمک رایانه با اقدام از محل سکونت خود در کشوری موجب تحقق نتیجه مورد نظر خود در کشوری دیگر گردد، بدون این که مجبور باشد از نقطه‌ای به نقطه دیگر برود.

علاوه بر اینها، امروزه ارتکاب برخی اعمال مجرمانه اشکال نوینی به خود گرفته است که با شیوه‌های ابتدایی آن تفاوت دارد. در برخی از نقاط جهان، قوادی توسط شبکه‌های گسترده‌ای متشکل از اعضای با ملیت‌های گوناگون صورت می‌گیرد و محدود به قلمرو یک دولت خاص نیست. این شبکه‌ها با سوءاستفاده از اوضاع نامطلوب اقتصادی در کشورهای تازه استقلال یافته اروپای شرقی، با وعده و فریب و تطمیع، اقدام به انتقال دختران و زنان جوان از این کشورها به کشورهای غرب اروپا می‌نمایند به گونه‌ای که هم اکنون شمار این قربانیان در کشورهای اخیرالذکر در حدود سیصد هزار نفر تخمین زده می‌شود. قاچاق انسان، به صورت یکی از تبعات این اعمال بزهکارانه ظاهر شده است که در کنار قاچاق اسلحه و مواد مخدر در زمره معضلات کنونی دستگاه‌های پلیسی و امنیتی این کشورها به شمار می‌رود. همچنین، نباید از نظر دور داشت که برخی دیگر از جرائم هم ابعاد نوینی یافته‌اند. ارتکاب اعمال تروریستی در دهه‌های اخیر فزونی یافته است و از ویژگی‌های این اعمال در بسیاری از موارد این است که مرتکب و مجنی‌علیه تابعیت واحد ندارند یا قربانیان این اعمال در حالی مورد حمله قرار گرفته‌اند که در خارج از کشور خود بسر می‌برده‌اند و یا این که در کشوری طراحی و سازماندهی شده‌اند تا در کشوری دیگر ارتکاب یابند. در همین راستا، وقایع ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ در کشور

امریکا قابل اشاره است که در آن، عملیات تروریستی ارتكابی در این کشور به سازمان‌های تروریستی واقع در افغانستان که دارای اعضاء فعال در دیگر نقاط جهان هستند نسبت داده شده است.

همه عوامل برشمرده سبب گردیده که امروزه دولت‌ها با بین‌المللی شدن پدیده مجرمانه<sup>۱</sup> روبرو شوند به نحوی که یک جرم می‌تواند با چند کشور که سرزمین، اتباع یا منافع آنها در قضیه‌ای دخیل است مرتبط باشد. در مواجهه با خطراتی که چنین جرائمی برای کشورها ایجاد می‌کند، هر دولت تدابیری را که برای دفاع از خود لازم می‌داند اتخاذ می‌کند. یکی از این تدابیر، تعقیب و مجازات مرتکبین این جرائم در دادگاه‌های ملی است که توسط این دولت ایجاد شده و به اعمال قوانین وضع شده توسط آن می‌پردازند.

نحوه سازماندهی این اقدام و اعطاء صلاحیت رسیدگی به این جرائم به دادگاه‌های ملی تابع اصولی است که در رشته‌ای از حقوق به نام حقوق جزای بین‌الملل مورد بحث قرار می‌گیرد. هر یک از این اصول به تنهایی شایسته بررسی و مطالعه است و مقاله حاضر به عنوان مقدمه‌ای بر این مطالعه به طور خلاصه به معرفی این اصول و ویژگی‌های صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل می‌پردازد. از این رو، پس از بررسی مختصر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل (مبحث اول) به معرفی مهمترین اصول تعیین کننده این صلاحیت (مبحث دوم) پرداخته می‌شود.

### مبحث اول: صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل

**۲. تعریف:** صلاحیت در لغت به معنای شایستگی است و در اصطلاح به «اختیار و استحقاق اقدام در امری که قانون معین کرده»<sup>۲</sup> گفته شده است. اغلب

<sup>۱</sup> internationalisation du phénomène criminel

<sup>۲</sup> دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۲۳۵۵.

اوقات، این اصطلاح در مورد مراجع قضائی به کار می‌رود و منظور از آن صلاحیت یک مرجع قضائی در رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد امری است که به آن ارجاع شده است. در این مفهوم، صلاحیت اعطاء شده به این مرجع برای رسیدگی، صلاحیت قضائی<sup>۳</sup> است.

اما مرجع قضائی صالح به رسیدگی، این امر را باید با اعمال قانونی که شایستگی تعیین سرنوشت موضوع را دارد انجام دهد. بدین ترتیب، شایستگی وصف قانون نیز هست و اصطلاح صلاحیت برای تعیین قانونی هم که باید یک موقعیت حقوقی<sup>۴</sup> را اداره کند به کار می‌رود. در این معنا، از قانون صلاحیت‌دار سخن گفته می‌شود و صلاحیت قانون در تعیین سرنوشت یک موقعیت حقوقی، صلاحیت قانونی یا تقنینی<sup>۵</sup> نامیده می‌شود.

این صلاحیت، چه صلاحیت قضائی باشد چه صلاحیت قانونی، هرگاه مربوط به یک امر جزائی باشد صلاحیت کیفری نام دارد. به عبارت دیگر صلاحیت کیفری عبارت است از شایستگی رسیدگی و تعیین سرنوشت عملی که جرم باشد. تعیین جرم بودن عمل و عناصر تشکیل دهنده آن، مشخص ساختن اعمال موجب و شرایط مسؤولیت کیفری و همچنین تعیین مجازات عمل مجرمانه از شاخصه‌های صلاحیت کیفری است.

صلاحیت کیفری زمانی در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل مطرح می‌شود که حداقل یک عنصر خارجی<sup>۶</sup> در جرم موضوع صلاحیت وجود داشته باشد. به دیگر سخن، اصول حاکم بر صلاحیت در این رشته مربوط به جرائمی است که حداقل یک عنصر خارجی در آنها دخالت داشته باشد و منظور از عنصر خارجی در جرم، عاملی است که بوسیله آن، جرم مزبور به یک دولت خارجی ارتباط پیدا می‌کند.<sup>۷</sup>

<sup>۳</sup> compétence juridictionnelle

<sup>۴</sup> situation juridique

<sup>۵</sup> compétence législative

<sup>۶</sup> élément d'extranéité

<sup>۷</sup> به این تعبیر، صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل را صلاحیت کیفری بین‌المللی نیز ←

در چنین وضعیتی، یک جرم می‌تواند به دلیل وجود این عنصر به دو یا چند کشور مربوط شود و توجه آنها را برای صالح شناختن خود به رسیدگی جلب نماید. عوامل مختلفی که می‌توانند عنصر خارجی جرمی محسوب شوند و بدین طریق آن را به یک کشور خارجی مرتبط سازند عبارتند از محل وقوع جرم، تابعیت مرتکب یا مجنی علیه و منافی علیه که در اثر جرم لطمه دیده است. به عنوان مثال ایراد ضرب و جرح عمدی در جریان نزاع واقع شده در یک هواپیمای آلمانی در حین پرواز بر فراز آسمان ایران، سرقت ارتكابی توسط یک تبعه عراقی در ایران، قتل یک ایرانی در ترکیه، جعل چک‌های تضمینی یکی از بانک‌های ایرانی در افغانستان و... نمونه‌هایی از این نوع جرائم هستند. از همین مثال‌ها پیداست که ممکن است در جرم واحد چند عنصر خارجی وجود داشته باشد و منعی ندارد که یک جرم به واسطه وجود این عناصر با بیش از دو نظم حقوقی مرتبط گردد مانند قتل یک فرانسوی توسط یکی از اتباع دولت ایتالیا در هواپیمای آلمانی که پس از وقوع قتل مزبور در ایران فرود آمده باشد. در مثال اخیر، دولت‌های فرانسه، ایتالیا، آلمان و ایران هر یک به نحوی با جرم مذکور مرتبط هستند و ممکن است خود را واجد صلاحیت رسیدگی به آن بدانند.

**۳. پیوستگی صلاحیت‌های قضائی و تقنینی**<sup>۸</sup>: از آنچه در بالا گفته شد معلوم می‌شود که وقتی دولتی خود را برای تعقیب و مجازات جرمی صالح اعلام می‌کند صلاحیت کیفری خویش را از طریق دادگاه‌ها و قوانین جزائی اعمال می‌نماید. صلاحیت قضائی به دادگاه‌ها امکان می‌دهد که وارد رسیدگی شده حکم آن را صادر کنند و صلاحیت تقنینی امکان اجرای قوانین جزائی وضع شده توسط دولت مزبور را می‌دهد. این دو صلاحیت دو روی یک سکه‌اند به نحوی که هر یک ملازم دیگری است و از آن به پیوستگی صلاحیت‌های قضائی و تقنینی یاد می‌شود. این پیوستگی

← می‌نامند. چنین صلاحیتی از نظر موضوع بین‌المللی است هر چند که متعلق به یک دادگاه ملی باشد و باصلاحیت کیفری بین‌المللی مراجعی چون دیوان کیفری بین‌المللی که از نظر مرجع صلاحیتدار، بین‌المللی محسوب می‌شود تفاوت دارد.

<sup>8</sup> la solidarité des compétences juridictionnelle et législative

عبارت است از یک ملازمت و همراهی دو صلاحیت مذکور به گونه‌ای که آنها را از یکدیگر غیرقابل تفکیک می‌سازد. در این حال، هرگاه سخن از صلاحیت دادگاه‌ها به میان آید،<sup>۹</sup> صلاحیت قوانین محل دادگاه نیز جهت اجراء توسط این دادگاه‌ها اثبات می‌شود و هرگاه از صلاحیت اجرای قوانین کشوری یاد شود،<sup>۱۰</sup> دادگاه‌های این کشور نیز برای اجرای آن صالح به شمار می‌روند. بر عکس هرگاه دادگاه‌های کشوری صالح به رسیدگی به جرمی نباشند قوانین این کشور نیز در مورد آن جرم اجراء نخواهد شد و هرگاه قانون کشوری صلاحیت اجراء نداشته باشد، دادگاه‌های آن کشور نیز صالح به تعقیب و رسیدگی آن جرم نیستند. در واقع، این کل نظام کیفری یک کشور، متشکل از قوانین جزائی و دادگاه‌های کیفری است که می‌تواند متصف به وصف صلاحیت بشود یا از آن محروم گردد و هرگاه این نظام واجد صلاحیت تلقی شود، هم صلاحیت قضائی و هم صلاحیت تقنینی هر دو اعمال می‌گردد.

با وجود فقدان متن قانونی، اصل پیوستگی صلاحیت‌ها اصلی مسلم و بدیهی به شمار می‌رود. مبنای این اصل، ممنوعیت دادرس از اجرای قانون جزائی خارجی است. به رغم این که برخی از حقوقدانان نسبت به اجرای قانون جزائی خارجی توسط دادگاه ملی اظهار تمایل کرده‌اند،<sup>۱۱</sup> اما هنوز این ممنوعیت به قوت خود باقی

<sup>۹</sup> به عنوان مثال ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ مقرر می‌دارد: «به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد:...» که در این صورت قوانین ایران را اجراء خواهند نمود.

<sup>۱۰</sup> مثلاً ماده ۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود:...» و بدین ترتیب دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به این جرائم را دارند.

<sup>۱۱</sup> Henri DONNEDIEU DE VABRES, *Les principes du droit pénal international*, Paris, Sirey, 1928, pp. 174, 185 et s. - Jacques LE CALVEZ, "Compétence législative et compétence judiciaire en droit pénal (la remise en cause du principe selon lequel le juge répressif n'applique que sa loi nationale)", *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 1980, pp. 13 et 337.- André HUET, "Pour une application limitée de la loi pénale étrangère", *Journal de droit international* 1982, p. 625 et s.

است و دولت‌ها، که اجرای قوانین کیفری خویش را از مظاهر اعمال حق حاکمیت خود می‌دانند، از تجویز اجرای قانون جزائی خارجی توسط دادگاه ملی خودداری می‌نمایند.<sup>۱۲</sup> در واقع، برخلاف آنچه که در حقوق بین‌الملل خصوصی پذیرفته شده و بر طبق آن دادرس، در برخی موارد، قانون خارجی را در دعوائی که به وی ارجاع شده اعمال می‌نماید،<sup>۱۳</sup> در حقوق جزای بین‌الملل اصولاً این امکان منتفی است و حاکمیت ملی دولت‌ها تاب قبول اجرای قانون جزائی خارجی را ندارد.<sup>۱۴</sup>

**۴. تقدم صلاحیت تقنینی بر صلاحیت قضائی:** هر چند که صلاحیت کیفری غیرقابل تفکیک است و با تحقق صلاحیت برای دولتی، این کشور هم صلاحیت قضائی جهت رسیدگی به آن جرم را داراست و هم صلاحیت تقنینی برای تعیین سرنوشت موقعیت تحت رسیدگی را دارد، با این وجود شایسته است که معلوم سازیم کدامیک مقدم و تعیین کننده دیگری است. شاید این نکته بیش از اندازه نظری و فاقد نتیجه عملی به نظر رسد چرا که در نهایت، این کل نظام کیفری یک دولت، اعم از قوانین و دادگاه‌های آن است که صالح اعلام می‌شود، قطع نظر از این که کدام یک

<sup>۱۲</sup> این مطلب اگر چه در مورد اغلب کشورهای جهان صادق است اما استثنائات نادری هم دارد. مثلاً در سوئیس مواد ۵ و ۶ قانون جزا ضمن اعلام این که جنایات یا جنحه‌های ارتكابی توسط یا علیه یکی از اتباع سوئیس در خارج از کشور تحت شرایطی در این کشور قابل تعقیب و مجازات خواهد بود، تصریح می‌نماید که: «با این حال اگر قانون خارجی مساعدتر به حال متهم باشد، همین قانون اجراء خواهد شد».

<sup>۱۳</sup> حکومت یک قانون خارجی بر دعوی در ماده ۷ قانون مدنی کشور ما نیز بدین شرح پیش‌بینی شده است: «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود». امکان استناد به قانون خارجی در دعاوی حقوقی در مواد ۹۶۲ تا ۹۶۹ همین قانون نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

<sup>۱۴</sup> در ایران نیز اجازه اعمال قانون جزائی خارجی به دادرس ایرانی داده نشده است ولی با این حال این قانون به کلی نیز نادیده گرفته نمی‌شود. به عنوان مثال بر طبق ماده ۴ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۳۹/۲/۱۴ استرداد تنها: «۱- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضا کننده مستلزم مجازات جنایی باشد. ۲- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضا کننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط بر این که حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد...» پذیرفته می‌شود.



مقدم بر دیگری باشد. با این وجود، این بحث یکسره خالی از فایده نیست و نتیجه آن، تعیین کننده قانونی است که باید به تنظیم قواعد مربوط به صلاحیت پردازد. اگر صلاحیت قضائی مقدم بر صلاحیت تقنینی و تعیین کننده آن باشد، بهترین محل جهت تبیین قواعد مربوط به آن قانون آئین دادرسی کیفری است. برعکس، چنانچه صلاحیت تقنینی مقدم و راهنمای تعیین صلاحیت قضائی باشد شایسته است که موضوع صلاحیت کیفری در قانون جزا مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

در پاسخ به این پرسش میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که برخی تعیین قانون صلاحیتدار را مقدم بر تعیین دادگاه صالح می‌دانند،<sup>۱۵</sup> برخی دیگر معتقدند که صلاحیت دادگاه‌ها تعیین کننده صلاحیت قانون حاکم بر موضوع و مقدم بر آن است.<sup>۱۶</sup> به نظر نگارنده تعیین قانون صلاحیتدار مقدم بر تعیین دادگاه صالح است زیرا باید به این نکته توجه داشت که مسأله صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل صرفاً تعیین دادگاه رسیدگی کننده به یک جرم نیست بلکه بیشتر عبارت است از تعیین سرنوشت جرم و مرتکب آن و در نتیجه امری ماهوی است نه شکلی. نتیجه وضع یک قاعده در این زمینه، خارج شدن مرتکب از شمول یک قانون کیفری و قرار گرفتن او تحت شمول قانونی دیگر است که ممکن است شدیدتر به حال او هم باشد. به علاوه در حقوق جزا، جرم شناختن یک عمل همیشه مقدم بر تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به آن جرم است. نخست قانونی وضع می‌شود و عملی را با ضمانت اجرای کیفری منع می‌کند، آنگاه یک دادگاه کیفری این قانون را نسبت به کسانی که آن را نقض کنند اعمال می‌نماید. مثلاً ابتدا یک سری اعمال به

<sup>15</sup> Pierre BOUZAT, *Traité théorique et pratique de droit pénal*, Paris, Dalloz, 1951, p. 1045; Claude LOMBOIS, *Droit pénal international*, Paris, Dalloz, 2<sup>e</sup> éd., 1979, pp. 8-9; Stefano MANACORDA, "Le droit pénal international dans les réformes française et italienne", *Revue de science criminelle et de droit pénal comparé*, 1995, p. 333.

<sup>16</sup> Roger MERLE, *Droit pénal général complémentaire*, Paris, PUF, 1957, p. 45; Renée KOERING-JOULIN et André HUET, "Compétence des tribunaux répressifs français et de la loi pénale française", *Jurisclasseur (Droit international)*, n° 4; André HUET, *article précité*, p. 631.

عنوان جرائم خاص نظامی برشمرده می‌شوند، سپس دادگاه‌های نظامی برای رسیدگی به آنها تشکیل می‌گردند و اگر جرم نظامی وجود نداشته باشد دادگاه نظامی وجود نخواهد داشت، اگر جرم جنایی در زمره جرائم احصاء شده نباشد، دادگاه جنایی نخواهد بود و... روش صحیح قانون‌نویسی ایجاب می‌کند که در مواردی هم که جرمی واجد یک عنصر خارجی و داخل در موضوعات حقوق جزای بین‌الملل است این تقدّم رعایت گردد و قانونگذار به وضع و تبیین قواعد مربوط به صلاحیت قانون خود بپردازد، حدود صلاحیت قضائی و دایره عملکرد دادگاه‌ها در رسیدگی به جرائم به کمک اصل پیوستگی صلاحیت‌های قضائی و تقنینی معلوم می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

**۵. تعدّد اصول حاکم بر صلاحیت کیفری:** هنگامی که جرمی ارتکاب می‌یابد، این جرم می‌تواند به جهات مختلف به یک دولت ارتباط یابد: محل وقوع جرم در قلمرو سرزمین آن باشد، مرتکب جرم یا قربانی آن از اتباع آن دولت باشند، جرم به نحوی غیرقابل اغماض به منافع حیاتی چنین دولتی صدمه بزند و... هر یک از این جهات می‌تواند موجبی برای این باشد که دولت مزبور خود را برای رسیدگی به این جرم و مجازات مرتکب آن صالح اعلام نماید. راست است که در برخی موارد حقوق بین‌الملل حاوی مقرراتی است که دولت‌ها را از اعمال صلاحیت کیفری خود نسبت به بعضی اشخاص منع<sup>۱۸</sup> و یا آنها را به برقراری این صلاحیت نسبت به مرتکبین بعضی دیگر از جرائم ملزم می‌نماید،<sup>۱۹</sup> اما این موارد محدود و نیازمند وجود حکمی

<sup>۱۷</sup> در ایران نیز، قطع نظر از پاره‌ای متون قانونی که در آنها به «رسیدگی محاکم» یعنی به صلاحیت قضائی اشاره شده (نگاه کنید به پاورقی شماره ۹)، قانونگذار اصولاً از «اجرای قوانین جزائی» ایران یعنی صلاحیت تقنینی سخن به میان آورده است و صلاحیت دادگاه‌های ایرانی از آن نتیجه می‌شود. برای مطالعه این موارد می‌توان به قانون مجازات عمومی اصلاحی خرداد ۱۳۵۲ (ماده ۳) مراجعه نمود که قانونگذار با الهام از قوانین و رویه قضائی کشورهای اروپایی برای نخستین بار به تدوین مقرراتی در زمینه صلاحیت کیفری اقدام نمود. مواد ۳ تا ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز با حفظ این روش به تنظیم صلاحیت تقنینی پرداخته‌اند.

<sup>۱۸</sup> به عنوان مثال، ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۸ آوریل ۱۹۶۱) مأموران دیپلماتیک را به دلیل برخورداری از مصونیت سیاسی مصون از تعقیب کیفری شناخته است.

<sup>۱۹</sup> به عنوان نمونه، پاراگراف اول ماده ۵ کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد در مورد ←

صریح است. از این موارد که بگذریم، اصولاً در حقوق بین‌الملل، قاعده‌ای عام و کلی وجود ندارد که دولت‌ها را از انتخاب اصلی از اصول صلاحیت و اعمال آن منع نماید. در چنین موقعیتی، هر دولتی حق دارد، به شرط رعایت اصل عدم مداخله در امور دیگر کشورها، به تنظیم صلاحیت کیفری خود بپردازد و حدود قلمرو اعمال آن را تعیین نماید. در این اقدام، مانند تصمیم در مورد مجرمانه شناختن یک عمل مباح و تعیین کیفر آن، هر دولتی منافع و مصالح ملی خود را در نظر می‌گیرد و حق به کیفر رساندن کسانی را که به نظم عمومی آن لطمه می‌زنند برای خود محفوظ می‌شمارد. بدین ترتیب، ملاک و معیار دخالت قانونگذار ملی معیاری وسیع و برحسب اوضاع و احوال، قابل تغییر است. این اختیار عمل قانونگذار منجر به این می‌شود که جهاتی هم که براساس آنها دولت متنوع وی خود را صالح به رسیدگی می‌داند متعدّد باشد. از این رو، ممکن است که یک دولت به جهات متعدّد و مختلف (مثل تابعیت مرتکب، تابعیت مجنی‌علیه، منافع اساسی لطمه دیده از جرم و...) صلاحیت رسیدگی به یک جرم را داشته باشد. در اعلام این صلاحیت، قانونگذار به تعیین قلمرو صلاحیت قوانین و دادگاه‌های خود بسنده می‌کند. در واقع به دلیل ارتباط مستقیم حق اعمال مجازات با حق حاکمیت دولت و منع اجرای قانون جزائی خارجی توسط دادگاه ملی، شیوه قانونگذاری در حقوق جزای بین‌الملل با شیوه مرسوم در حقوق بین‌الملل خصوصی متفاوت است. در حقوق بین‌الملل خصوصی، قانونگذار به تعیین قانون حاکم بر دعوی می‌پردازد که ممکن است قانون خود و یا یک قانون خارجی باشد. در این رشته قاعده حل تعارض بیان می‌شود، در حالی که در حقوق جزای بین‌الملل قانونگذار در پی تعیین قانون حاکم و حل تعارض صلاحیت‌ها نیست. در این رشته، قانونگذار قلمرو اجرای قوانین جزائی در مکان و یا قلمرو صلاحیت دادگاه‌های ملی را تعیین می‌کند و به صلاحیت قوانین و دادگاه‌های

← منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز از دولت‌های عضو می‌خواهد که در مواردی که مرتکب شکنجه از اتباع آنهاست نسبت به برقراری صلاحیت کیفری خود جهت تعقیب و مجازات وی (ولو این که جرم مزبور را در خارج از کشور خود مرتکب شده باشد) اقدام نمایند.

خارجی نظر ندارد. چنانچه جرمی در قلمرو صلاحیت قوانین و دادگاه‌های ملی ارتکاب یابد، این دادگاه‌ها به آن رسیدگی و قانون ملی را در مورد آن اجراء می‌کنند. در غیر این صورت، دادگاه‌ها از رسیدگی خودداری و به شرط وجود توافقنامه‌های دو یا چند جانبه، دخالت خود را محدود به همکاری با مراجع قضائی خارجی می‌نمایند.<sup>۲۰</sup>

**۶. تعارض اصول حاکم بر صلاحیت:** همان گونه که یک جرم می‌تواند به جهات گوناگون با یک کشور پیوند داشته باشد و سبب تعدد اصول صلاحیت کیفری گردد، این امکان نیز وجود دارد که جرم واحد از جهتی به یک دولت و از جهت دیگر به دولتی دیگر مرتبط و سبب تحقق صلاحیت برای هر یک از آنها گردد. مثلاً قتل ارتکاب یافته در کشوری به دلیل تابعیت آلمانی مرتکب با آلمان و از جهت تابعیت روسی مقتول با روسیه ارتباط یابد و چنانچه این قتل در ایتالیا اتفاق افتاده باشد، دولت ایتالیا نیز به شمار این کشورها افزوده می‌شود. در صورتی که هر یک از کشورهای مرتبط با جرم، خود را صالح به رسیدگی به این جرم بدانند، چند

<sup>۲۰</sup> مدت زیادی نیست که دولت‌ها به ضرورت معاضدت جزائی بین‌المللی پی برده‌اند و از آن به عنوان وسیله‌ای برای مبارزه همه جانبه و هماهنگ با بزه‌کاری بین‌المللی استفاده می‌کنند. در همین راستا، کنوانسیون اروپایی معاضدت قضائی در امر جزائی مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۵۹، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد که در کلیه رسیدگی‌های مربوط به جرائم داخل در صلاحیت مقامات قضائی این کشورها حداکثر همکاری را با یکدیگر بنمایند و به این منظور، چگونگی اعطاء و اجرای نیابت قضائی، تبادل اطلاعات و مدارک مربوط به پرونده، احضار و استماع شهود، کارشناسان و متهمان، نحوه بهره‌برداری از پرونده سجل کیفری متهم و نیز اعلام احکام محکومیت کیفری محکومان را تعیین می‌نماید. در ایران نیز گام‌های مفیدی برای تسهیل این همکاری با برخی کشورها که یا به دلایل سیاسی تفاهم خوبی با آنها وجود دارد و یا به دلیل نزدیکی جغرافیایی مرادات بیشتری با آنها برقرار است برداشته شده است. مثلاً قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزائی مصوب ۷۸/۹/۲۰ و اخیراً نیز قانون موافقتنامه همکاری قضائی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مصوب ۸۱/۴/۱۵ به تنظیم نحوه همکاری مقامات قضائی ایران و کشورهای طرف قرارداد در زمینه تعقیب کیفری، نیابت قضائی، تبادل اطلاعات پرونده، استرداد مجرمان و انتقال محکومان پرداخته است.

صلاحیت به نفع چند دولت ایجاد می‌گردد که اصطلاحاً تعارض مثبت صلاحیت‌ها<sup>۲۱</sup> نامیده می‌شود.

از آنجا که در حقوق جزای بین‌الملل، اصولاً وضع قاعده حل تعارض مطرح نیست و هر دولتی با توجه به منافع و مصالح خود به گونه‌ای یک جانبه اقدام به تعیین قلمرو صلاحیت قوانین کیفری و دادگاه‌های خود می‌کند، تحقق این نوع تعارض‌ها بسیار متداول است. شکل دیگر تعارض که از آن به تعارض منفی صلاحیت‌ها<sup>۲۲</sup> یاد می‌شود این است که در مورد جرمی هیچ دولتی خود را صالح به رسیدگی نشناخته باشد، مانند این که در نقطه‌ای دور افتاده از جهان که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست شخصی جرمی را علیه شخصی دیگر مرتکب شود و به دلیل فقدان شرایطی که قانون کشور مرتکب و قانون کشور بزه دیده برشمرده‌اند (مثلاً لزوم پیش‌بینی حبس بیش از یک سال به عنوان مجازات) هیچ یک از دولت‌های متبوع این دو نیز صلاحیت رسیدگی به جرم را نداشته باشند.

در شرایط کنونی دنیای امروز و با شیوه متداول در قانونگذاری صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، تحقق این نوع تعارض‌ها همواره ممکن است. هر چند که تعارض منفی صلاحیت‌ها کمتر اتفاق می‌افتد، اما نمی‌توان نسبت به کثرت تحقق تعارض مثبت صلاحیت‌ها بی‌تفاوت بود. نتیجه سوءتعارض‌های مثبت، امکان تعقیب و مجازات مرتکب در دو یا چند کشور است و حال آن که دو بار کیفر دادن شخصی به دلیل ارتکاب جرم واحد دور از انصاف و برخلاف عدالت است. کسی که یک جرم مرتکب شده باید یک بار به جامعه و دستگاه دادگستری پاسخ دهد و الزام او به پاسخگویی به چند مرجع قضائی، هر چند که هر مرجع نماینده یک جامعه باشد، امکان دفاع مناسب را به دلیل لزوم تدارک دفاع در چند محل از او سلب و احتمال صدور احکام متناقض را تقویت می‌نماید. بنابراین، لازم است که اعتبار امر مختوم کیفری رعایت شود و دولتی که از محاکمه پیشین متهم در دادگاه‌های کشوری

<sup>21</sup> conflit positif des compétences

<sup>22</sup> conflit négatif des compétences

دیگر از جهت همان جرم مطلع می‌گردد از ورود در رسیدگی جدید خودداری نماید. از این روست که برای رفع آثار سوءتعارض‌های مثبت صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، قاعده منع مجازات مضاعف پیش‌بینی و توسط بسیاری از کشورها رعایت شده است.<sup>۲۳</sup>

### مبحث دوم: مهمترین اصول تعیین‌کننده صلاحیت کیفری

۷. اصل صلاحیت سرزمینی<sup>۲۴</sup>: صلاحیت سرزمینی عبارت است از صلاحیت کیفری یک دولت نسبت به جرائم ارتکاب یافته در قلمرو آن.<sup>۲۵</sup> حق اعمال کیفر نسبت به بزهکاران از جلوه‌های حق حاکمیت یک دولت مستقل است و از این رو همه دولت‌ها بر رسیدگی به این جرائم و عدم واگذاری آن به یک دولت خارجی، که اصولاً نسبت به جرائم ارتکابی در خارج از خاک خود بی تفاوت است، پای می‌فشارند. چنین صلاحیتی عام و در برگیرنده همه جرائم، اعم از مهم و کم اهمیت و همه مرتکبین، اعم از تبعه و بیگانه است. در تحقق این صلاحیت، محل اقامت مرتکب یا مجنی‌علیه نیز بی‌تأثیر است و یک تبعه خارجی که در خارج از کشور اقامت دارد ولی به طور موقت در خاک کشور محل وقوع جرم حضور داشته تابع قوانین کیفری این کشور است هر چند که در آنجا اقامتگاه یا محل سکونت نداشته

<sup>۲۳</sup> مطابق این قاعده، متهمی که یک بار با صدور حکم قطعی محاکمه شده (اعم از این که محکوم یا تبرئه شده باشد)، دیگر نمی‌تواند بخاطر همان عمل مجدداً تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد. این قاعده که برگرفته از عبارت لاتین "*non bis in idem*" است در اسناد بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که در تاریخ ۵۴/۲/۱۷ به تصویب قوه قانونگذاری ایران نیز رسیده است، مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق قانون آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد».

<sup>۲۴</sup> le principe de compétence territoriale

<sup>۲۵</sup> ماده ۳ قانون مجازات اسلامی با بیان این که: «قوانین جزائی درباره کليه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد، مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد» تأیید کننده این اصل در حقوق ایران است.

باشد. در واقع آنچه که ملاک و مطمح نظر است ارتکاب جرم در این کشور است نه داشتن محل اقامت یا سکونت.<sup>۲۶</sup>

علاوه بر این، صلاحیت سرزمینی صلاحیتی مستقل است که برای اعمال آن، متن قانون خارجی مورد مراجعه قرار نمی‌گیرد. بنابراین برای رسیدگی دادگاه‌های ملی لزومی ندارد که عمل مرتکب برطبق قانون ملی او یا قانون ملی مجنی‌علیه نیز جرم باشد. چنانچه عمل کسی به موجب قوانین محل ارتکاب، جرم باشد، او نمی‌تواند برای رهایی از تعقیب و مجازات به قانون ملی خود که احیاناً آن عمل را مجرمانه نمی‌شناسد استناد و تقاضای رعایت آن را بنماید. عوامل موجهه یا دلایل رافع مسؤلیت کیفری نیز باید در قانون محل وقوع جرم جست‌وجو شود و مرتکب نمی‌تواند وجود چنین عوامل یا دلایلی را در قوانین کشور خود مورد استناد قرار دهد.

اصل صلاحیت سرزمینی متکی به دلایل قابل دفاعی است که پذیرش آن را توجیه می‌کند: حق حاکمیت دولت ایجاب می‌کند که اوامر و نواهی آن بر تمام اموری که در قلمرو آن در جریان است حکومت و آنها را اداره نماید. به علاوه، حمایت از نظم عمومی به وسیله این اصل بهتر و کامل‌تر صورت می‌گیرد و قانون محل وقوع جرم بهتر می‌تواند لطمه وارد شده به این نظم را ارزیابی و نحوه ترمیم آن را تعیین نماید. و بالاخره این که در این محل، جمع آوری آثار و دلایل جرم، استماع شهادت شهود، اخذ نظر کارشناس و احیاناً ملاقات زیان‌دیده آسان‌تر و کم هزینه‌تر خواهد بود.

در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی لازم است احراز شود که جرم در قلمرو حاکمیت دولت واقع شده است. بنابراین، ابتدا باید قلمرو حاکمیت دولت و سپس محل وقوع جرم را شناخت. قلمرو حاکمیت دولت مشتمل بر قلمرو زمینی، قلمرو

<sup>۲۶</sup> بنابراین عبارات ماده ۵ قانون مدنی مبنی بر این که: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» که مدت‌ها به عنوان تنها متن قانونی تأیید کننده این اصل شناخته می‌شد و در آن از سکنه ایران نام برده شده به درستی و دقت تنظیم نشده است.

دریایی<sup>۲۷</sup> و قلمرو هوایی<sup>۲۸</sup> بالای این دو است و جرائم ارتكابی در آنها اصولاً داخل در صلاحیت دولتی است که حاکمیت بر این مناطق را داراست. براساس یک سنت دیرینه در حقوق بین‌الملل، کشتی‌ها و هواپیماهایی هم که پرچم کشوری را برافراشته‌اند، جزئی از خاک آن کشور محسوب و به عنوان اجزای جدا شده از سرزمین اصلی تلقی می‌شوند. بنابراین، جرائم ارتكابی بر روی عرشه کشتی یا درون هواپیما هم مشمول صلاحیت سرزمینی دولتی است که پرچم آن بر روی کشتی<sup>۲۹</sup> یا هواپیما<sup>۳۰</sup> نصب و یا این وسایل در آن کشور ثبت شده است.

اما نکته مهمتر تعیین محل وقوع جرم است و تردید از آنجا آغاز می‌شود که گاه تمام اجزای یک جرم در قلمرو خاک یک کشور تحقق نمی‌یابد بلکه جزئی از آن در یک کشور و جزئی دیگر در کشوری دیگر واقع می‌شود مانند کلاهبرداری از طریق توسل به وسایل متقلبانه در ترکیه مثل انتشار آگهی‌های موهوم در یک روزنامه محلی و بردن مال غیر در ایران. برای تعیین محل وقوع جرم تئوری‌های مختلفی ابراز شده است ولی هم اکنون نظریه‌ای که بر طبق آن کشور محل وقوع جزئی از جرم هم صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارد با اقبال عمومی کشورهای مختلف روبرو شده و بیشتر قوانین جزائی کشورها با پیش‌بینی این راه حل،<sup>۳۱</sup> لازم نمی‌دانند که برای

<sup>۲۷</sup> ماده ۳ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) ضمن تأیید این مطلب، قلمرو دریای سرزمینی را تا ۱۲ میل دریایی (هر میل دریایی ۱۸۵۲ متر) تعیین کرده است.

<sup>۲۸</sup> ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو مربوط به هواپیمایی کشوری بین‌المللی (۱۹۴۴) حق حاکمیت کامل و انحصاری دولت‌ها بر فضای بالای سرزمین خود را مورد تأیید قرار داده است.

<sup>۲۹</sup> قانون پرچم در رأی مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۲۷ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کشتی لوتوس (Lotus) و نیز در ماده ۸۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها (۱۹۸۲) مورد تأکید قرار گرفته است.

<sup>۳۰</sup> پاراگراف اول ماده ۳ کنوانسیون توکیو مربوط به جرائم و پاره‌ای اعمال دیگر ارتكابی در هواپیماها (۱۹۶۳) صریحاً کشور محل ثبت هواپیما را صالح به رسیدگی به این جرائم دانسته است.

<sup>۳۱</sup> ماده ۴ قانون مجازات اسلامی نیز که با عباراتی نه چندان صحیح و دقیق مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است» ملهم از همین راه حل است.



تحقق صلاحیت خود کلیه اجزای تشکیل دهنده جرم در خاکشان واقع گردیده باشد.

**۸. اصل صلاحیت شخصی<sup>۳۲</sup>:** اکتفا کردن به اصل صلاحیت سرزمینی که اقتضای آن تنها رسیدگی به جرائم ارتكابی در کشور است، سبب بی‌کیفر ماندن اعمال کسانی می‌شود که در خارج از کشور مرتکب جرم شده‌اند. از این‌رو ممکن است که بزه‌کاران با توجه به سهولت سفر به کشوری دیگر از خاک یک کشور خارجی برای تحقق نتیجه مورد نظر خود در کشور خویش یا دیگر کشورها استفاده کنند و از تعقیب کیفری در محل بروز نتیجه اعمال مجرمانه خود در امان بمانند. بنابراین، جهت تکمیل اصل صلاحیت سرزمینی، اصول دیگری نیز پیش‌بینی شده است که دولت را قادر به اعمال نوعی صلاحیت فرامرزی یا فراسرزمینی<sup>۳۳</sup> می‌نماید. از جمله این اصول، اصل صلاحیت شخصی است که به رابطه میان شخص و دولت متبوع وی مربوط می‌شود به گونه‌ای که دولت مزبور را برای رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط یکی از اتباع خود یا علیه آنها صالح می‌گرداند.

در صورت ارتكاب جرم توسط یکی از اتباع دولت، صلاحیت کیفری ناشی از آن، صلاحیت شخصی فعال<sup>۳۴</sup> یا مثبت نامیده می‌شود. بنابر یک اصل قدیمی در حقوق بین‌الملل، امروزه بیشتر دولت‌ها اتباع خود را به خاطر جرائمی که در دیگر کشورها مرتکب شده‌اند به دولتی که متقاضی استرداد آنهاست مسترد نمی‌کنند. مهمترین دلیل اصل صلاحیت شخصی فعال، جلوگیری از بی‌کیفر ماندن کسانی است که در خارج از کشور به نقض قوانین محلی پرداخته و پس از ارتكاب جرم به کشور خود بازگشته‌اند تا از قاعده عدم استرداد شهروندان بهره‌مند شوند. در این حال، اصل مذکور می‌تواند از خلأ مجازات در اثر عدم استرداد اتباع پیشگیری و شهروندان را به رعایت قوانین و مقررات کشور محل اقامت خود ملزم نماید.<sup>۳۵</sup>

<sup>۳۲</sup> le principe de compétence personnelle

<sup>۳۳</sup> compétence extraterritoriale

<sup>۳۴</sup> compétence personnelle active

<sup>۳۵</sup> ماده ۷ قانون مجازات اسلامی به گونه‌ای قابل انتقاد به تأیید این اصل پرداخته است. مطابق این ←

شکل دیگر این صلاحیت، ناشی از ارتکاب جرم علیه یکی از اتباع در خارج از کشور است و به آن صلاحیت شخصی غیرفعال<sup>۳۶</sup> یا منفی می‌گویند. حمایت حقوقی یک دولت از شهروندان خود در خارج از کشور امری است متداول که از طریق کنسولگری‌های آن دولت در کشورهای دیگر صورت می‌پذیرد. اما گاهی اوقات حمایت کیفری از آنها نیز، در صورتی که در خارج از کشور قربانی جرمی شوند ضروری به نظر می‌رسد چه ممکن است مراجع قضائی کشور محل وقوع جرم، به ویژه اگر مرتکبین این جرائم از شهروندان آنها محسوب شوند، فاقد عزم لازم برای تعقیب و مجازات آنها باشند. با این وجود، چنین توجیهی هنوز نتوانسته است برخی از کشورها را قانع سازد تا اصل صلاحیت شخصی غیرفعال را در قوانین خود وارد نمایند.<sup>۳۷</sup>

رسیدگی به جرائم ارتکاب یافته در خارج از کشور اصولاً دشوار و پرهزینه است. در پرونده‌های مربوط این جرائم، دادرس در محل وقوع جرم حضور ندارد و امکان رفتن به آنجا نیز برای وی فراهم نیست. او گاه در مورد قتل کسی اظهار نظر می‌کند که جسدش را در اختیار ندارد و به کارشناس مربوط به قضیه نیز که آن را معاینه نموده دسترسی ندارد. اصولاً شهود در حوزه قضائی وی سکونت ندارند و اجرای تحقیقات محلی نیز برای دادگاه مشکل است. اعطاء نیابت قضائی به دادگاه‌های خارجی نیز، با فرض وجود موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه، همیشه امری پرهزینه است. از این رو، تعقیب کلیه جرائم ارتکابی در خارج از کشور توسط یا علیه یکی از اتباع، به صلاح دستگاه دادگستری که اصولاً باید به تأمین نظم و امنیت داخلی بپردازد نیست. بنابراین، معمولاً در قوانین کشورهایی که این صلاحیت

← ماده: «علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶، هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد».

<sup>36</sup> compétence personnelle passive

<sup>37</sup> مانند اسپانیا و ایران. با این حال در این کشورها نیز گاه قوانین خاص با الهام از این اصل به اعلام صلاحیت دادگاه‌های خود پرداخته‌اند، نظیر بند (ب) ماده ۳۱ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸ که بر طبق آن در صورتی که «معنی علیه تبعه ایران باشد»، به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود، دادگاه‌های ایران رسیدگی خواهند نمود.

پذیرفته شده، لازم است که جرم ارتكابی از درجه‌ای از اهمیت و شدت برخوردار باشد تا مداخله دادگاه‌های ملی را ایجاب کند و آنها را مشغول رسیدگی به جرائم کم اهمیت و خفیف که ممکن است با اغماض دادگاه‌های محل وقوع جرم هم روبرو شوند، ننماید.

**۹. اصل صلاحیت واقعی**<sup>۳۸</sup>: گاه ارتكاب پاره‌ای جرائم از چنان درجه‌ای از اهمیت و شدت برخوردار است که می‌تواند بر استقلال یک حکومت و کارکرد ارگان‌های اساسی آن تأثیرگذار باشد و نظم آن را دچار اختلال نماید. از این‌رو، دولت‌ها ارتكاب این جرائم را در خارج از کشور نیز تحمل نمی‌کنند و مرتکب را تحت تعقیب قرار می‌دهند. از آنجا که در این موارد، ماهیت جرائم ارتكابی و مجنی‌علیه آن (دولت) مورد نظر است، تابعیت مرتکب در تحقق صلاحیت کیفری تأثیری ندارد و تبعه یا بیگانه در صورت ارتكاب جرم مشمول این صلاحیت می‌شوند. بدین ترتیب، صلاحیت قوانین و دادگاه‌های یک دولت برای رسیدگی به جرائمی که منافع اساسی و حیاتی آن دولت را در خارج از کشور مورد لطمه قرار می‌دهند صلاحیت واقعی می‌نامند.<sup>۳۹</sup> این ایده حمایت و حفاظت از منافع جامعه سبب شده است که اصل

<sup>۳۸</sup> le principe de compétence réelle

<sup>۳۹</sup> صلاحیت قوانین ایران در موارد مندرج در ماده ۵ قانون مجازات اسلامی نیز مبتنی بر همین اصل است. مطابق این ماده: «هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود:

۱. اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران.

۲. جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضاء مقام رهبری و یا استفاده از آن.

۳. جعل نوشته رسمی رئیس جمهور یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رئیس مجلس خبرگان یا رئیس قوه قضائیه یا معاونان رئیس جمهور یا رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها.

۴. جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادر شده از طرف بانک‌ها و یا اسناد تعهد آور بانک‌ها و همچنین جعل اسناد خزانه و

مذکور اصل صلاحیت حمایتی<sup>۴۰</sup> نیز نامیده شود.

دلیل پذیرش چنین صلاحیتی، بی تفاوتی دولت‌ها نسبت به صدماتی است که برخی جرائم به نظم عمومی دیگر کشورها وارد می‌آورد. بسیار محتمل است که جرائمی مانند اقدام علیه امنیت داخلی یک کشور یا جعل اسکناس رایج آن در کشوری دیگر جرم نباشد، کما این که معمولاً چنین است، و یا در صورت جرم بودن با اغماض یا ارفاق غیرقابل قبول دادگاه‌های محل وقوع جرم روبرو گردد. اصل صلاحیت واقعی مانع از این می‌شود که دولت‌ها در برابر مرتکبین این جرائم علیه منافع اساسی جامعه در خاک بیگانه خلع سلاح شوند.

«منافع اساسی و حیاتی جامعه» اصطلاحی کلی است که مصادیق آن باید در قانون مشخص گردد. بدین منظور، قانونگذار معمولاً به ارائه فهرستی از این جرائم می‌پردازد تا حدود صلاحیت فراسرزمینی دادگاه‌های داخلی معلوم گردد. با توجه به علت توسعه صلاحیت دادگاه‌های ملی به فراسوی مرزها در صلاحیت واقعی، فهرست مذکور در بردارنده جرائمی علیه منافع دولت مدعی صلاحیت است و به منافع دولت‌های خارجی نظر ندارد. با این وجود، امروزه توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها، آنها را بر آن داشته است که از منافع یکدیگر در خاک خود حمایت کنند و ارتکاب جرائمی علیه منافع مزبور را همچون ارتکاب جرم علیه منافع خود تلقی و مجازات نمایند. همین امر سبب گردیده که پاره‌ای از آنها، منافع تمام یا برخی از کشورهای خارجی را نیز در فهرست مربوط به اصل صلاحیت واقعی قرار داده، ارتکاب جرائمی علیه آنها در خارج از کشور توسط خارجیان را هم مجازات نمایند.<sup>۴۱</sup>

← اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله».

<sup>40</sup> le principe de compétence de protection

<sup>۴۱</sup> مانند فرانسه که بر طبق ماده ۱۰-۱۱۳ قانون جزای آن برخی جنایات و جنحه‌ها علیه منافع اساسی ملت و همچنین قلب سکه و جعل اسکناس و اوراق قرضه عمومی نیز در فهرست مزبور قرار دارد.

۱۰. اصل صلاحیت جهانی<sup>۴۲</sup>: برخی جرائم مانند نسل‌کشی از چنان وخامتی بر خوردارند که ارتکاب آنها نه تنها نظم عمومی محل وقوع را مختل می‌کند بلکه آثار آن در فراسوی مرزها نیز به نوعی احساس می‌شود. در واقع این جرائم به دلیل حدت و وسعت ارتکاب آنها به نظم عمومی بین‌المللی لطمه می‌زنند به گونه‌ای که وجدان جامعه بین‌المللی جریحه‌دار شده خواستار به کیفر رساندن مرتکبین آنها می‌گردد. در این حال، با تأکید بر جهانی بودن حق کیفر،<sup>۴۳</sup> گفته می‌شود که همه دولت‌ها باید بتوانند قطع نظر از محل ارتکاب و تابعیت مرتکب یا مجنی‌علیه، مرتکب را تعقیب و مجازات نمایند و چنین صلاحیتی را صلاحیت جهانی می‌نامند. اصل صلاحیت جهانی به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمینی پیش‌بینی شده که اعمال مجرمانه آنها همه جامعه بشری را متأثر ساخته است و هدف این است که چنین بزه‌کارانی در هیچ نقطه از جهان مأمنی برای مصون ماندن از تعقیب و مجازات نیابند. این اصل می‌خواهد که عدم اجرای اصل صلاحیت سرزمینی در محل وقوع جرم را جبران نماید اما در عین حال از تکرار کیفر یک عمل بپرهیزد. به همین جهت، هر چند که همه دولت‌ها به مقابله با این جرائم دعوت شده‌اند اما صلاحیت تعقیب و مجازات مرتکب به طور سنتی به دولتی داده شده است که وی در قلمرو آن یافت می‌شود.<sup>۴۴</sup>

اصولاً خاستگاه این اصل در حقوق بین‌الملل است که یا از طریق عرف بین‌المللی<sup>۴۵</sup> و یا از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی<sup>۴۶</sup> صلاحیت تعقیب و مجازات

<sup>42</sup> le principe de compétence universelle

<sup>43</sup> l'universalité du droit de punir

<sup>44</sup> اصطلاح لاتین "*aut dedere, aut punire*"، (یا استرداد یا مجازات) مربوط به این وضعیت و منظور از آن این است که دولت محل دستگیری متهم باید یا او را به دولت محل وقوع جرم مسترد یا خودش وی را مجازات نماید. ماده ۸ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد» برگرفته از اصل صلاحیت جهانی است.

<sup>45</sup> مانند راهزنی دریایی که حسب یک عرف قدیمی بین‌المللی رسیدگی به آن در صلاحیت همه ←

مرتکبین بعضی جرائم را به دولت‌ها اعطاء می‌کند. معمولاً آن دسته از کنوانسیون‌های بین‌المللی که برای اتخاذ تدابیر مشترک دولت‌ها در مقابله با نوع خاصی از اعمال مجرمانه به امضاء می‌رسند فهرستی از اعمال مزبور را ارائه می‌دهند ولی مجازات آنها را تعیین نمی‌کنند بلکه از امضاء کنندگان می‌خواهند که مجازات مناسب را بر طبق قوانین داخلی خود معین سازند. به علاوه، گاه برخی از این کنوانسیون‌ها از دول عضو می‌خواهند که صلاحیت کیفری خود را برای تعقیب این جرائم، حتی اگر محل وقوع جرم کشور آنها نبوده و مرتکب و مجنی‌علیه هم تابعیت آنها را نداشته‌اند، برقرار سازند. علاوه بر دو منبع فوق، امروزه در پرتو تحولات نوین حقوق بین‌الملل، برخی کشورها با وضع قوانین داخلی اقدام به ایجاد صلاحیت کیفری برای دادگاه‌های خود جهت رسیدگی به جرائمی خاص می‌نمایند و از این طریق به گسترش قلمرو این صلاحیت دامن می‌زنند.<sup>۴۷</sup>

## ۱۱. صلاحیت‌های تکمیلی<sup>۴۸</sup>: افزایش چشمگیر مسافرت‌های خارجی افراد در اثر

← دولتهاست.

<sup>۴۶</sup> مانند کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه مربوط به مجازات تصرف غیرقانونی هواپیماها و کنوانسیون ۱۹۷۱ مونرآل در مورد مجازات اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری که از کشورهای امضاءکننده می‌خواهند که اقدامات لازم را جهت برقراری صلاحیت خود نسبت به مرتکبین این جرائم که در قلمرو آنها یافت می‌شوند، اتخاذ نمایند.

<sup>۴۷</sup> نمونه شاخص چنین کشورهایی بلژیک است که ابتدا با وضع قانون ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ و سپس با قانون اصلاحی آن مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۹۹ سه دسته جرائم را که جنایات حقوق بین‌الملل نامیده تعریف و مجازات آنها را تعیین نموده است. این سه دسته جرائم که مصادیق آنها نام برده شده عبارتند از: جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و نقض شدید کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های آنها. ماده ۷ این قانون، صلاحیت دادگاه‌های بلژیک را برای رسیدگی به این جرائم اعلام کرده، هر چند که جرم در خارج از این کشور ارتکاب یافته باشد و هر چند که مرتکب (ولو بیگانه) در خاک بلژیک حضور نداشته باشد. نکته جالب دیگر این که پاراگراف سوم ماده ۵ این قانون امکان استناد به مصونیت شخصی مرتکب برای رهایی از تعقیب و مجازات را سلب نموده و بدین ترتیب اجازه تعقیب کسانی را هم که دارای موقعیت رسمی و سیاسی هستند داده است. یکی از کسانی که براساس این قانون تحت تعقیب دادرسی بروکسل درآمده است آریل شارون نخست‌وزیر فعلی رژیم اشغالگر قدس برای جنایات ارتكابی در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا در لبنان (۱۹۸۲) است.

<sup>48</sup> les compétences complémentaires

توسعه صنعت حمل و نقل و تسهیل مقررات مربوط به ورود اتباع بیگانه سبب گردیده که گاه مهمترین اصول یاد شده مربوط به صلاحیت که در بسیاری از کشورها مورد پیروی قرار می‌گیرد برای اعمال صلاحیت کیفری دولتی نسبت به برخی از جرائم کافی به نظر نرسد. بدین جهت، گاه به منظور توسعه صلاحیت کیفری دولت‌ها، صلاحیت‌های جدیدی با تغییر شرایط مربوط به یکی از اصول صلاحیت ایجاد شده است که ما می‌توانیم آنها را صلاحیت‌های تکمیلی بنامیم.

در برخی موارد، صرف داشتن اقامتگاه در کشوری ملاک تحقق صلاحیت این کشور نسبت به کسی است که در خارج از کشور مرتکب جرم می‌شود. در این حال، رابطه تابعیت میان مرتکب جرم و دولت متبوع او که معیار اصل صلاحیت شخصی فعال است نادیده گرفته شده، محل اقامت وی ملاک قرار می‌گیرد. این صلاحیت بدین ترتیب شامل اتباع دولت اقامتگاه و اتباع بیگانه می‌شود. به عنوان مثال، کنوانسیون ۳۰ نوامبر ۱۹۶۴ مربوط به مجازات جرائم رانندگی که میان کشورهای عضو شورای اروپا منعقد شده است به هر یک از کشورهای امضاء کننده صلاحیت می‌دهد که چنانچه یکی از جرائم رانندگی توسط کسی که معمولاً در خاک آن کشور اقامت دارد در خاک کشور دیگر عضو ارتکاب یابد، به تقاضای دولت محل وقوع جرم، نسبت به تعقیب و مجازات مرتکب اقدام نماید، هر چند که وی از اتباع آن دولت نباشد.

در برخی دیگر از موارد، اشتغال مرتکب جرم به یکی از وظائف دولتی ملاک توسعه صلاحیت قرار می‌گیرد. در این فرض، دولتی که تصدی یک وظیفه عمومی را به شخصی، اعم از تبعه یا بیگانه، سپرده تا در خارج از کشور به انجام آن بپردازد، این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در صورت ارتکاب جرم توسط او، صلاحیت تعقیب و مجازات وی را داشته باشد. البته صلاحیت دولت در چنین مواردی می‌تواند محدود به جرائمی باشد که در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن ارتکاب یافته تا از توسعه بی‌حد و حصر آن جلوگیری نماید. مثال چنین موردی در قانون جزای ایتالیا دیده می‌شود که به موجب بند ۴ ماده ۷ آن: «جرائمی که مستخدمین

عمومی در خدمت دولت با سوءاستفاده از اختیارات یا نقض تکالیف شغلی خود [در خارج از کشور] مرتکب می‌شوند» طبق قانون ایتالیا مجازات می‌گردد.<sup>۴۹</sup>

**نتیجه‌گیری:** یکی از راه‌های مقابله با بزهکاری در سطح بین‌المللی، تعقیب و رسیدگی به جرائمی است که به جبهتی از جهات با نظم حقوقی یک دولت مرتبط گردیده است. از این‌رو، دولت‌ها با وضع قوانین ملی به گونه‌ای یک جانبه اقدام به برقراری صلاحیت کیفری خویش نسبت به جرائم مورد نظر خود می‌کنند. از آنجا که هر دولت نیازها و ملاحظات خاص خود را دارد، برقراری صلاحیت کیفری از سوی چند کشور نسبت به جرم واحد امری ممکن و محتمل است که سبب تحقق تعارض مثبت صلاحیت‌های کیفری می‌گردد. نتیجه‌ای که با رعایت قاعده منع مجازات مضاعف باید از آثار آن کاست.

معمولاً در حقوق جزای بین‌الملل چهار اصل کلی راهنمای قانونگذاران مختلف در اعلام صلاحیت کیفری در این زمینه است که هر یک دلایل و شرایط ویژه خود را دارد که بررسی تفصیلی آنها در این مقاله نگنجید. در عمل گاه قالب‌های فوق به نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند و گاه قالب‌های جدیدی برای توسعه صلاحیت کیفری به کار گرفته می‌شوند. قدر مسلم این که افزایش کمی جرائم و تحوّل اشکال ارتکاب آن در سطح بین‌المللی بیش از پیش توسعه صلاحیت کیفری دولت‌ها را ایجاب نموده است.

<sup>۴۹</sup> بند ۱۳ ماده ۵ قانون جزای آلمان و همچنین ماده ۶ قانون مجازات اسلامی ایران در بردارنده این شکل از صلاحیت تکمیلی است. به موجب ماده اخیر: «هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند، مرتکب گردند طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند».



# JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. 1, NO. 2

2002-2

## Articles

- Conscious obligations in contracts on transfer of mines
- An introduction to the principles of jurisdiction in international criminal law
- Establishment of International Criminal Court: concerns and hopes
- Restrictions on the property rights of persons in laws and regulations of municipals
- Reflection on buy-back deals in Iranian oil contracts
- The ILC's articles on responsibility of states
- Protecting privacy in an information age

## Special Issue: Necessity of revising the laws relating to cheque

- History and necessity of amendment to laws relating to cheque
- Round-table on amendment to laws relating to cheque
- Conserving or deleting the penal aspect of issuance of dishonoured cheque
- Stipulations on cheque in the Egyptian Commercial Code

## Critique and Presentation

- Reestablishment of Prosecutor's Office in the Iranian judicial system
- The Private Law Association of Iran
- International Institute for the Unification of Private Law (Unidroit)



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law  
Research & Study